

## حوزه و نشریات مجازی

چکیده: نوشتار حاضر، پس از توضیحاتی درباره عرصه و گستره اینترنت به یکی از امکانات بدیع و شگفت شبکه جهانی اینترنت می‌پردازد؛ یعنی «وبلاگ‌نویسی». امکانات بی‌حد و حصر این پدیده کارساز و سریع‌السییر، همگان را وادار می‌دارد که برای تبلیغ مرام و آرمان‌های شخصی یا ملی یا الهی خود، روی‌بدان سو کنند و از قابلیت‌های آن سود برند. سپس این نکته را یادآورد می‌شود که آیا توجیهی برای غفلت نویسندگان دینی از این عرصه پر جنب‌وجوش و فعال جهانی وجود دارد. وبلاگ‌نویسی، این توانایی را دارد که نوع جدیدی از فعالیت‌ها و تبلیغات دینی را در خود جای دهد: اطلاع‌رسانی و تبلیغ دیجیتال.

کلیدواژه‌ها: اینترنت، اطلاع‌رسانی دیجیتال، وب، وبلاگ، تبلیغ دینی.

رایانه و اینترنت، جای و جایگاه بلندی در حوزه علمیه قم یافته است. اکنون مرکز یا مؤسسه یا حتی مدرسه‌ای را در حوزه نمی‌توان یافت که از این دستگاه جادویی خالی باشد و یک سیم تلفن، آن را و به تبع آن مدرسه و مؤسسه را به جهان متصل نکرده باشد. طلبه‌ها، آشنایی با دنیای رایانه و جام جهان‌نمای آن (اینترنت) را بر خود لازم می‌شمارند و برخی نیز از سر کنجکاوی هر از گاه سری بدان می‌زنند.

حجم کتاب‌ها، رساله‌ها و تحقیقاتِ حوزوی که به لوح‌های فشرده تبدیل شده‌اند، شگفت‌انگیز است. از نسخ کهن متقدمان گرفته تا اطلاعات دفتری و اداری، در این لوح‌های فشرده جا خوش کرده، حضور در خانه‌های شیشه‌ای را تجربه می‌کنند. «یک دستگاه کامپیوتر»، هدیه‌ای است که این روزها در میان جوایز و هدایای بزرگان حوزه به طالبان علم دیده می‌شود. داشتن سایت یا همان پایگاه‌های اینترنتی، در شمار داری‌های ضروری و حتمی همه بیوت و مؤسسات حوزوی درآمده است و هر روز بیشتر و فنی‌تر می‌شوند.

دفتر بسیاری از مراجع تقلید اقدام به راه‌اندازی سایت‌هایی کرده‌اند که به مثابه «بیت مجازی» عمل می‌کنند و روزانه پاسخگوی صدها نامه و پرسش به زبان‌های مختلف از گوشه و کنار دنیا هستند. بیشتر این سایت‌ها دست کم به سه زبان فارسی، انگلیسی و عربی روی صفحه‌های مانیتور ظاهر می‌شوند، و در این میان، سایت آیت‌الله فاضل لنکرانی، با بیست و نه زبان زنده دنیا مدیریت می‌شود.<sup>۱</sup> این دفاتر و بیوت مجازی، حاوی اطلاعات لازم درباره زندگی، آثار، فعالیت‌ها، فتاوای مرجع مربوط، و پاسخگوی آنلاین مقلدین و مؤمنان‌اند؛ حتی امکاناتی را برای دریافت اینترنتی وجوهات و محاسبات شرعی فراهم آورده‌اند.

### ابرسانه اینترنت و کاربران ایرانی

از اتصال رسمی مخابرات ایران به اینترنت و دسترسی عمومی ایرانیان به این شبکه جهانی، بیشتر از ده سال می‌گذرد. در این مدت نه چندان طولانی، همه ایرانیان اعم از کاربر و غیر آن، همچون همه مردم جهان، اینترنت را پدیده شگفت‌افزارسانی و

جدیدترین پدیده فناوری در همه عرصه های علمی، خبری، تجاری، تفریحی، سیاسی و شخصی یافته اند. قابلیت های بی شمار، دسترسی آسان، تنوع، گستره، جذابیت های سمعی-بصری و هزاران دلیل دیگر، اینترنت را تابوی تمدن انسان معاصر کرده است؛ تابویی که شکستن آن نه ممکن است و نه مفید. با اینترنت هم می توان به فاسدترین محیط های اخلاقی وارد شد و هم می توان سیر و سلوک انسانی کرد و با یک کلیک، از منزلی به منزل دیگر راه برد. اینترنت، فاصله ها را به کوتاهی یک بار فشردن انگشت سیابه بر روی موس کرده، و با یک کلیک کاربر را از شرق عالم به غرب می برد و از عرش به فرش، یا بر عکس. همچون چراغ جادو، هر دم از آن غول وحشتناکی بیرون می آید؛ غولی که اگر رام و مطیع نگردد، آرام و قرار را از زندگی مردمان خواهد گرفت.

مخالفت با این پدیده شگفت، به هر دلیلی که باشد، تجربه های خوشایندی را نصیب مخالفانش نکرده است. چینی ها بیشترین مقاومت را در برابر لشکر سایت ها و وبلاگ های اینترنتی کردند. نتیجه این مخالفت ها و مقاومت ها، آن شده است که این کشور پهناور و پرجمعیت، اکنون بیشترین کاربران اینترنتی را در جهان پس از آمریکا دارد. بر اساس مطالعات آماری، تا پایان سومین فصل ۲۰۰۲، بیش از دو میلیون نفر در ایران به اینترنت دسترسی داشته اند. این رقم نسبت به سپتامبر ۲۰۰۱، افزایش صد در صدی از خود نشان می دهد و به حتم همین سیر را نیز ادامه خواهد داد. آماری که از سوی وزارت ارتباطات و فناوری اعلام شده است، ارقام شگفت تری را نشان می دهد. بر اساس این آمار در پایان سال ۱۳۸۱، نزدیک به ۳۲۰۰۰۰۰ نفر به طور فعال از اینترنت استفاده می کردند و هفت میلیون نفر نیز کارت اینترنتی خریده اند. این آمار و ارقام، نسبت به سال ۸۰، حدود ۹۰٪ افزایش را خبر می دهد. ۲. و هلمّ جراً.

در انبار اینترنت، کالاهایی است که هم خواستی و هم بسیار کاربردی است. نیز در این سرزمین ناآشنا دام و دانه هایی چیده اند که زیرک ترین مرغان را نیز به زیر کشیده است. بسیار بیش از هر پدیده مدرن دیگر، قربانی گرفته، و بسی افزون تر از هر ابزار دیگر به کار آمده است.

بیش از این نیازی به گفتن درباره اهمیت و گستره اینترنت در جهان و ایران نیست. آنچه اکنون در کانون توجهات ملی و صنفی و حتی شخصی قرار گرفته است، چگونگی استفاده بهینه و سالم تر از این گنجینه دیجیتالی است.

## وبلاگ و وبلاگ نویسی در ایران

اینترنت، دنیای شگفتی‌ها است؛ اما نه شگفت‌تر از آنچه در درون ما است. آنچه در این بازار جهانی، بیش از همه نظرگیر است، توانایی‌ها و گشایش‌هایی است که پدید می‌آورد. در میان همه امکانات و قابلیت‌های این ماشین غول‌آسا، وبلاگ‌ها حکایتی دیگر دارند که بس شنیدنی و آموزنده است. وبلاگ و وبلاگ‌نویسی، بخشی از توانایی و امکاناتی است که اینترنت به رایگان در اختیار کاربران خود می‌گذارد. وبلاگ (weblog) صفحه‌ای اینترنتی است با قابلیت دست‌یابی عموم کاربران به آن. وبلاگ‌ها را می‌توان روزنامه‌ها یا مجلات شخصی میلیون‌ها انسان دانست که سردبیر، نویسنده، ویراستار و حروف‌چین و صفحه‌آرای آنها یک نفر است؛ یعنی هر نویسنده‌ای می‌تواند در اینترنت، مجله‌ای برای خود راه بیندازد که سردبیر آن خود او است و در هر فرصت که خواست یا توانست، مطلبی بر آن بیفزاید یا حذف و ویرایش کند. هر انسانی می‌تواند بدون صرف هزینه، در اینترنت وبلاگ داشته‌باشد و هر انسان دیگری نیز می‌تواند خواننده نوشته‌ها و مطالب او باشد. بدین ترتیب وبلاگ‌نویسی، یعنی ارتباط نزدیک، آسان، رایگان و دوسویه با هر کاربری که پا به این عرصه‌بی‌مرز و شفاف می‌گذارد و مطلوبی را جست‌وجو می‌کند.

اولین وبلاگ در اواسط سال ۱۹۹۶، راه‌افتاد و اکنون بیش از ۶۰۰ میلیون وبگرد (خواننده وبلاگ) در جهان حضور فعال یا نیمه‌فعال دارند. مطابق آمارهایی که میان کاربران اینترنت، رد و بدل می‌شود، در سال ۲۰۰۰، حدود ۱۰۰۰ وبلاگ در اینترنت وجود داشت. این رقم در سال ۲۰۰۲ به نیم میلیون نفر رسید و اکنون در هر ۳۰ ثانیه یک وبلاگ ساخته می‌شود! این آمار و ارقام عجیب و غریب، به خودی خود، چندان گویا و مؤثر نیستند؛ اما اگر سری به پاره‌ای از وبلاگ‌های متنوع و پرخواننده فارسی بزنیم، خواهیم دید که وجود هزاران وبلاگ فارسی، حکایت از چه تحول گسترده‌ای در عمومی شدن نویسندگی و گسترش حضور کتبی و همگانی در عرصه‌های مختلف فرهنگی و علمی دارد. نیز خواهیم دانست که چرا باید وبلاگ‌نویسی را از نظر دور نداشت، و پذیرای اهمیت و تأثیرگذاری آن در همه‌گونه فعالیت‌های تبلیغی و رسانه‌ای بود.<sup>۳</sup>

در خرداد سال ۱۳۸۳، اولین جشنواره وبلاگ‌نویسان ایرانی، در تهران برگزار شد. شرکت‌کنندگان در این جشنواره، عمدتاً جوانان فرهیخته و باذوقی بودند که هر یک،

بخشی از ساعات روزانه خود را به وبگردی یا وبلاگ‌نویسی اختصاص داده بودند. آنان، وبلاگ‌نویسی را بخشی از هویت جدید خود می‌دانستند و همگی مصمم به گسترش کمی و کیفی وبلاگ‌های خود بودند. شور و نشاطی که در محیط مجازی اینترنت، از رهگذر متن‌نویسی نوقلمان و جویندگان هویت به چشم می‌آید، هر محققى را به این اندیشه وامی‌دارد که چیست راز این اقبال روزافزون.

اکنون هزاران وبلاگ‌فارسی در اینترنت هر روز به‌روز می‌شوند و هر یک، خواندنی‌ترین مطالب همسو با موضوع انتخاباتی خود را در صفحه وب می‌گذارد. داشتن چنین فضایى در اینترنت، بدون محدودیت‌های مرسوم، نویسندگان ایرانی را بر آن داشته است که اندیشه‌ها و آرمان‌های خود را در این گستره اشاعه دهند و به خلق آثار نو دست زنند. این رسانه به نویسندگان خود اجازه می‌دهد به دور از قید و بندهای معمول و قالب‌های تکراری، از خود بگویند و از اندیشه‌ها و رنج‌ها و آرمان‌های خود. «وبلاگستان شهری است که هر کس در خانه خود نشسته است و به اختیار خود پنجره‌ای از دنیای درون خود به بیرون گشوده است.»<sup>۴</sup>

اولین وبلاگ‌های فارسی در نیمه سال ۸۰ راه‌اندازی شد. پس از گذشت چهار سال از تأسیس اولین وبلاگ فارسی، اکنون زبان فارسی، چهارمین و بر اساس برخی دیگر از آمارها سومین زبان وبلاگ‌نویسی جهان است؛<sup>۵</sup> یعنی وبلاگ‌نویسان فارسی زبان، به لحاظ کمی، مقام چهارم یا سوم را در جهان دارند. موضوعاتی که وب‌نویسان ایرانی، گرایش بیشتری به آن داشته‌اند، عبارتند از: خاطره‌نویسی، روایت مشاهدات، سیاست، ورزش، ادبیات، متن‌های ادبی، روزنگاری، فلسفه، عرفان، خبر، مذهب، فرهنگ، هنر، شخصی، پرونوگراف، اجتماعی و آموزشی. هر یک از این موضوعات، وقتی به وبلاگ‌ها پا می‌گذارند، لباس رسمی و مهمانی خود را از تن بیرون می‌آورند و زبانی صمیمی، خودمانی و گاه طنزآلود را تجربه می‌کنند. اکثر وبلاگ‌نویسان ایرانی، گرایش آشکاری به ساده و صمیمی‌نویسی در وبلاگ خود دارند. حتی رسمی‌ترین موضوعات را با ساده‌ترین زبان بازمی‌گویند. ساختار شگفت وبلاگ‌ها، به همین مقدار ختم نمی‌شود. در وبلاگ‌های فارسی، از هر موضوعی سخن می‌رود و امکانات بی‌حد و حصر آنها این فرصت را در اختیار نویسندگان خود می‌گذارد که درباره هر موضوعی به شیوه‌های مختلف بپردازند.

وبلاگ‌ها برای برخی، همچون دفترچه‌های خاطراتشان است و برای گروهی،

فرستی است برای ارائه یا دریافت آخرین تحقیقات علمی در مقولات گوناگون. به گمان نگارنده این پدیده، آینده‌ای به مراتب درخشان‌تر دارد و اگر صاحبان اندیشه و مرام و منش‌های گوناگون، خواهان توسعه جهان خود هستند، باید این رسانه مرزشکن را رام خود کنند و از قابلیت‌های آن سود برند. جهان‌گیری در روزگار ما با نشستن در پشت کامپیوتر ممکن است، نه بر پشت اسب‌ها یا تانک‌ها. بی‌راه و مبالغه نیست اگر بگوییم در قرن ما آنچه بر روی صفحه‌های شیشه‌ای اینترنت نمودار نگردد، گویی هرگز وجود نیافته است!

## امکانات و بلاگ‌ها

آشکارترین تفاوت وبلاگ‌ها با سایت‌های اینترنتی، رایگان بودن آنها است؛ یعنی هر کاربر ساده‌ای می‌تواند از طریق یکی از سایت‌های ویژه، فضایی را در شبکه جهانی اینترنت به تملیک خود در آورد و درباره هر موضوعی که می‌پسندد، به هر زبانی که می‌تواند، به هر شیوه‌ای که دوست دارد، و برای هر خواننده‌ای که حضور می‌رساند، بنویسد. وبلاگ با ویژگی‌های دیگری نیز از سایت‌ها متمایز می‌شود؛ مثلاً سایت‌ها رسمی‌تر و ثابت‌ترند. وبلاگ‌ها مانند اتاق نشیمن، و سایت‌ها همچون اتاق پذیرایی عمل می‌کنند. همچنین سایت‌ها، بیشتر محلی برای نگهداری و عرضه تولیدات و محصولات پیش ساخته است؛ یعنی بسیاری از مواد و متاع سایت‌ها، برای عرضه در آن ساخته و پرداخته نشده‌اند، بلکه به بهانه‌ها و مناسبت‌های دیگر تولید و در محل‌های مختلف عرضه شده‌اند؛ از جمله در سایت. اما نویسنده وبلاگ برای وبلاگ خود می‌نویسد و معمولاً از تولید به مصرف است.

وبلاگ‌ها امکانات و امتیازهای دیگری نیز دارند؛ از جمله:

۱. آزادی عمل و قلم؛ نویسندگان وبلاگ‌ها آزادند که هر چه می‌خواهند بنویسند و هر گونه که می‌خواهند بنویسند. این مقدار آزادی و بی‌قیدی، زیان‌های بسیاری به بار می‌آورد؛ اما از آنجا که تعداد خواننده و شمار مراجعه‌کنندگان به هر وبلاگ، در شهرت و سرنوشت اینترنتی او مؤثر است، وبلاگ‌نویسان به سمت رعایت اصول و مراعات اخلاق وبلاگ‌نویسی پیش می‌روند تا بتوانند به حیات و اعتبار اینترنتی خود ادامه دهند. با وجود این نمی‌توان منکر زبان‌ها و آفاتی شد که از این رهگذر، گریبان نویسندگان و خوانندگان وبلاگ‌ها را گرفته است.

۲. لینک (Link): از دیگر امکاناتی که وبلاگ‌ها دارند لینک است. هر وبلاگ می‌تواند ترمینالی باشد برای مسافرت و بگرد به سایت‌ها، وبلاگ‌ها و مناطق دیگر اینترنت. لینک‌ها آدرس‌هایی هستند که با کلیک بر روی آنها، به اصل مقاله، سایت یا وبلاگ دیگر، آدرس یا هر جای دیگر می‌توان رفت. بدین ترتیب یکی از کارکردهای لینک‌ها، آدرس‌یابی یا منبع‌نویسی یا پانویس است؛ با این تفاوت که پاورقی‌ها در نشریات معمولی، فقط آدرس را نشان می‌دهند؛ اما هر لینک، سخاوتمندانه اصل مأخذ و تمامیت آن منبع را پیش روی شما می‌آورد.

وب‌نویسان برای آنکه خواننده خود را در بن‌بست‌رها نکنند، می‌کوشند در هر متنی که می‌نویسند، لینک‌های فراوانی را جاسازی کنند؛ تا بدین وسیله خواننده را در محیطی یکنواخت و بن‌بست نگه ندارند. بدین رو کاربر پس از سر درآوردن از یک وبلاگ، آماده سفر به جهان بیکرانی از وب‌ها و پایگاه‌های دیگر است. هر وبلاگ، سکوی پرش کاربر به ده‌ها و صدها محیط همگون و گاه ناهمگون دیگر است، و این قابلیت، معنا و مغز ارتباطات است.

۳. قابلیت‌های شنیداری و دیداری: بر خلاف نشریات معمول، وبلاگ‌ها می‌توانند خواننده خود را هم‌زمان، از طریق همه حواس او، تحت تأثیر قرار دهند؛ یعنی هم بشنوند، هم ببینند و هم بخوانند. بنابراین وبلاگ‌ها، به یک معنا نشریات صوتی-تصویری نیز هستند. به تازگی رادیو لاگ‌ها نیز به خانواده اینترنت پیوسته، و زمینه‌های مناسبی نیز برای عمومی‌تر شدن ویدئو لاگ‌ها فراهم شده است. بدین ترتیب، مراجعه‌کنندگان در زمان واحد می‌توانند چندین رسانه را در اختیار داشته باشند.

۴. کامنت (Comment): یکی از جالب‌ترین امکانات وبلاگ‌ها، کامنت‌های آنها است؛ یعنی هر خواننده می‌تواند نظر خود را زیر هر متن یا مقاله بنویسد و این نظر را به سمع و نظر نویسنده و خوانندگان پس از خود برساند. در نشریات غیر الکترونیکی، برای خواندن نقد یک مقاله، باید منتظر چاپ شماره‌های بعدی آن شد. چنین محدودیتی برای وبلاگ‌ها نیست. کامنت یا نظر خواهی، گاهی چنان اهمیتی می‌یابد که اصل متن را در حاشیه می‌برد. در ذیل برخی متن‌ها و پست‌های وبلاگی، چنان مباحثات شیرین و جذابی درمی‌گیرد که خواننده‌ها را به تأملات بیشتر وامی‌دارد.

۵. آرشیو (Archive): هر وبلاگ برای خود آرشیوی دارد که به سهولت، همه مقالات و مطالب قبلی را در اختیار و بگرد می‌گذارد.

۶. درگیری: مقالات و پست‌های وبلاگ‌ها نوعاً ناظر به یکدیگر و درگیر با همدیگر است. به عقیده نگارنده، مهم‌ترین و جالب‌ترین امتیاز وبلاگ‌ها همین نکته‌نه چندان ریز است؛ زیرا خواننده می‌تواند پس از مطالعه یک مقاله در یک وبلاگ، ده‌ها نقد و بررسی آن را در وبلاگ‌های دیگر مطالعه کند. هرگاه مقاله یا مطلب مهمی در یکی از وبلاگ‌ها، روی صفحه می‌آید، به سرعت و گاهی به فاصله چند ساعت، ده‌ها مقاله و نقد و نظر درباره آن نوشته می‌شود. مطالعه چندین مقاله و مطلب که ناظر بر یکدیگرند، خواننده را در تحلیل و ارزیابی هر موضوعی پخته و صاحب‌نظر می‌کند. چنین امکانی، در بیرون از جهان وبلاگ‌نویسی، مفقود است.

ناگفته نماند که این امکان و فرصت، فقط برای وبلاگ‌هایی است که در جهان مجازی وبلاگ‌ها شهرتی دارند و خوانندگان آنها اندک نیست. برای اینکه یک وبلاگ به چنین موقعیتی دست یابد، باید مدت‌ها بنویسد و در آداب شهروندی مجازی مهارت داشته باشد.

### مجازهای حقیقی

از یاد نباید برد که نوشتن در هر فضا و محیطی، مقتضیات خود را دارد. سادگی و بی‌مبالاتی است اگر گمان کنیم که شیوه‌های سنتی ما در مقاله‌نویسی در نوشته‌های سایبری نیز کارآمد است. آنچه آشکار است، اصالت نوشتن و دوستی با قلم در وبلاگ‌ها است. اما گویا میان انگیزه و مقصد وبلاگ‌نویسان با دیگران تفاوت‌های بسیاری است. پیش‌تر باید به خاطر آورد که نوشتن، بیش و پیش از آنکه هنر باشد، نیاز است؛ و مانند دیگر نیازهای انسان، پر از رمز و راز. این نیاز مزمن، از غارنویسی آغاز شد و اکنون به تارنویسی (وبلاگ) بار انداخته است. وبلاگ‌ها، آرزوی دیرینه‌ای را اجابت کردند که در سر و سودای هر انسان برون‌گرا و حتی درون‌گرایان وجود داشت: داشتن جریده‌ای شخصی که در آن می‌نویسیم. همین.

وبلاگ نیز مانند همه آنچه انسان مدرن ساخته است، ماهیت ابزاری دارد؛ اما ابزار و وسیله‌ای است که قلمش تا دگرگونی هدف‌ها هم می‌رود. نمی‌توان برتری‌های شگفت‌انگیز رسانه مدرن و شیشه‌ای را که عمر و عزت بسیاری را در خود ریخته است، انکار کرد. در تابستان سال ۸۰ که نخستین وبلاگ ایرانی بر روی صفحه ماینیتورها ظاهر شد، کسی گمان نمی‌کرد که چنین شتابان بگسترده و جهان‌گشایی کند؛ اما کرد. آیا نه از آن رو که جایش در



میان ما خالی بود؟ باید جایی، چاهی یا غاری باشد که در آن فریاد کنیم؛ تا دست کم در این مجازی ترین دنیای تارآلود، حقیقت عریان خود را بازبینیم. در این چاه مدرنیته، صبح تا شب صداهایی می‌ریزد که شنیدن دارد و برخی را باید هم‌نوایی کرد. برای یکی، حجرهٔ دل‌تنگی‌ها است، برای دیگری بازار تجارت و سومی را دفترچهٔ خاطرات تنهایی و نیز می‌تواند آیینۀ تأملات و آگاهی‌های ذهن فرهیخته‌ای باشد که می‌نویسد تا دیگران بخوانند و بر او نکته گیرند. عصری که در آن پولاد به معراج رفته است، سنگ صبورش نیز از جنس شیشه و تراشه است. در این فضاهای مجازی، می‌توان حقیقی‌تر بود و راحت‌تر از هر جای دیگر نوشت! چون نه چشم به حق‌التالیف داری و نه بیم از چون و چراهای سلیقه‌ای.

### نوشتن برای شنیدن

وبلاگ، هنوز یک رسانهٔ شفاهی است؛ البته در رسانه‌بودنش هم می‌توان شک کرد. شفاهی یا افواهی بودن وبلاگ از آن رو است که تا کنون به اکثر استانداردهایی که در رسانه‌های نوشتاری مرسوم است، تن نداده است. نوشتنی بودن، دلیل بر نوشتاری بودن نیست. کلمات گاهی نوشته می‌شوند و گاهی شنیده می‌شوند. در وبلاگ، کلمات طوری به کار می‌روند که به‌رغم آنکه می‌خوانیمشان، اما در واقع آنها را می‌شنویم. نویسنده، کلماتش را می‌شنوید و از راه چشم‌ها، به گوش‌ها می‌رساند. شاید بتوان همین دوگانگی را یکی دیگر از تفاوت‌های مهم وبلاگ با سایت یا وب‌سایت شمرد.

اقتضای طبیعتش این است یا چنین پیش آمد؟ همین شفاهی بودن برای او مناسب‌تر است و بر تأثیرگذاری‌اش می‌افزاید یا بهتر آن است که به دامان مشابه‌های ظاهری خود، یعنی رسانه‌های نوشتاری بازگردد؟ گمان می‌کنم هیچ تلاشی در این باره نمی‌توان و نباید کرد و همچنان منتظر باید نشست تا صبح دولتش بدمد؛ آنچه تا امروز دیده‌ایم از نتایج سحر است. کاری از دست کسی ساخته نیست؛ همگی، آن می‌کنند که خود می‌پسندند. شفاهی بودن یعنی همین.

پاره‌ای از آنچه وبلاگ‌ها را در منطقهٔ رسانه‌های گفتاری نگه می‌دارد، بدین قرار است:  
۱. بی‌مسئولیتی حقوقی و اخلاقی و بلاگرها در مقابل آنچه می‌نویسند/ می‌گویند؛ کدام قانون نوشته یا نانوشته، نویسندهٔ وبلاگ را به دادگاه‌های انسانی، حقوقی، عرفی، ملی یا بین‌المللی می‌کشاند؟ همین موجب شده است که وبلاگستان فارسی، خود را مظلوم و محدود ببیند و

ولع خط‌شکنی و هنجارستیزی در آن غوغا کند. اما فی الواقع این محدودیت، اولا شامل وبلاگ‌هایی می‌شود که مشمول رادیکالیسم سیاسی‌اند؛ ثانیاً محدودیت در یک‌جا بهانه مناسبی برای بی‌قیدی و رهایی در جای دیگر نیست. رسانه‌های نوشتاری همیشه باید خود را برای پاسخگویی به افکار عمومی و انواع و اقسام قانون‌ها آماده نگه دارند.

۲. نوع جمله‌سازی و عبارت‌پردازی؛ نویسنده در وبلاگ، گوینده است، و خواننده، شنونده. برخی چنان می‌گویند که گویی در حال نوشتن‌اند و برخی چنان می‌نویسند که گویا مشغول گپ و گفته‌اند. ساده‌نویسی و حتی هنجارگریزی، بخشی از ماهیت وب‌فارسی شده است. بهترین نمونه‌های سادگی و روانی و صمیمیت قلمی را در وبلاگ‌ها می‌توان یافت. اگر بگوییم وبلاگ‌ها، نثر و سبک ویژه‌ای را بنیان گذاشته‌اند، دور از آبادی نیست. آری؛ گاهی سادگی را به ابتذال و سطحی‌نویسی می‌کشانند و گاهی نیز با بر روی اکثر نرم‌ها و فرم‌های اصیل می‌گذارند.

۳. سندگریزی؛ وبلاگ‌ها خود را ملزم به آوردن سند و منبع برای انبوه دعاوی خویش نمی‌دانند. البته این خلأ را تا آنجا که بتوانند با شیرین‌زبانی و لینک‌گذاری پر می‌کنند. در واقع در وبلاگ، مستندگویی جای خود را به مستدل‌گویی داده است؛ اگرچه گاه از هیچ کدام خبری نیست و گاه هر دو با هم حضور دارند.

۴. اعتبار؛ اطمینان و اعتماد و بگردها به آنچه در این شهر شیشه‌ای می‌بینند، به اندازه اطمینان و اعتماد آنان به شنیده‌ها و شایعه‌ها است. به همین دلیل، شناختی که از نویسنده وبلاگ دارند، در اعتماد آنان بسیار مؤثر است. در دیگر رسانه‌ها این گونه نیست. اعتبار مقالات در نشریات و روزنامه‌ها فقط به نویسنده آنها نیست. از سردبیر و حزب پشتیبان گرفته تا سوابق آن جریده، در اعتبار تک‌تک مقاله‌ها تأثیر می‌گذارند. آیا چنین نیست که ما گاهی کتابی را فقط به دلیل اعتمادی که به ناشر آن داریم، می‌خریم؟ اما وبلاگ‌ها هر چه دارند از سابقه و نویسندگان خود دارند؛ مانند هر خبر یا سخنی که از کسی می‌شنویم. در مجموع باید گفت که ارزش تحلیلی و عاطفی وبلاگ‌ها، بسی بیشتر از اعتبار خبری و اطلاع‌رسانی آنها است.

هیچ‌یک از خصلت‌های بالا، ارزش و وزن وبلاگ را بالا یا پایین نمی‌آورد. وبلاگ، همین است که می‌بینیم و بسیار دور از منطق و درایت است اگر بخواهیم از بیرون بر او اثر گذاریم. فقط شهروندان فعال و شناخته‌شده وبلاگ‌شهر، می‌توانند موجی در این برکه نآرام بیندازند.<sup>۷</sup>

## وبلاگ نویسی و تبلیغ دینی

به حتم و بی گمان، ورود به جهان وبلاگ‌ها، امکانات بی حد و حصری در اختیار هر نویسنده و صاحب نظری قرار می‌دهد. صاحبان اندیشه‌ها و مروّجان مرام‌های گوناگون، اکنون با همه قوا و توان اینترنتی خود وارد این میدان فراخ شده‌اند. مع الأسف، کمترین سهم از این جهان بزرگ، نصیب نویسندگان دینی است. غفلت و بیگانگی از این عطیه تمدن جدید، خسارات بسیاری به روند گسترش تبلیغ دینی خواهد زد. به گمان نگارنده، نویسندگان مذهبی باید هر چه زودتر این گنج شایان را مَهْر بگشایند و به درون آن راه یابند. اکنون، شماری از نویسندگان دینی و طلاب جوان حوزه، این عرصه را شناخته و بدان قدم گذاشته‌اند؛ اما تا تبدیل وبلاگ نویسی به فرهنگ رایج در میان حوزویان، راه دور و درازی در پیش است. چگونه است که ما برابر چاپ یک کتاب در شمارگان دو یا سه هزار، از صرف هیچ گونه هزینه‌ای دریغ نمی‌ورزیم، اما امکانات اولیه برای ورود به این عرصه جهانی مبارک را فراهم نمی‌کنیم. آیا امکان یافتن میلیون‌ها مخاطب و خواننده، به اندازه چاپ کتاب‌هایی با شمارگان دو یا سه هزار ارج و اجر ندارد؟ آیا روزی فرا خواهد رسید که بدانیم در کجا ایستاده‌ایم و حال آنکه می‌توانستیم در کجا باشیم؟

### سخن آخر

به چندین جهت منطقی و عرفی، مبلغان و نویسندگان دینی، گریز و گزیری از ورود به دنیای پرهیاهوی وبلاگ‌ها ندارند:

۱. امکانات بی حد و حصری که این پدیده به مدد شبکه جهانی اینترنت در اختیار می‌گذارد.
۲. تنوع مخاطبان و ایجاد رابطه با میلیون‌ها چشم سرگردان و نگران که صبح تا شب در مقابل مانیتور در پی یافتن مطلبی برای خواندن و اندیشیدن هستند.
۳. امکان ارتباط دو سویه با مخاطب؛ آنان که دستی در مقوله تبلیغ و اطلاع‌رسانی مدرن دارند، نیک می‌دانند که هر قدر بتوان با شنونده و خواننده خود، ارتباط سریع‌تر و زنده‌تری برقرار کرد، توفیقات بیشتری را می‌توان نصیب برد. اکنون نباید تبلیغ را معادل سخنرانی یا مقاله نویسی انگاشت. تبلیغ دینی فرایندی پیچیده و حساس است که بدون ارتباط نزدیک و زنده با مخاطب، کارآمد و کامیاب نخواهد بود.

۴. مبلغان، همواره باید آشنایی خود را با خواسته‌ها، دل‌مشغولی‌ها و کاستی‌های فکری-روحي مخاطبان خود، افزایش دهند. از آنجا که نویسنده و خواننده و بلاگ‌ها، می‌توانند هویت خود را ناشناخته نگه دارند، این امکان فراهم می‌شود که هر دو، به دور از تعارفات معمول و محافظه‌کاری‌های مضر، سخن خود را بگویند. این گونه بی‌ملاحظه‌گری‌های مثبت، مبلغ را سریع‌تر و کوتاه‌تر از روش‌های معمول، به گرانیگاه‌ها می‌رساند و در وقت و توان او، صرفه‌جویی می‌شود.

۵. وبلاگ به دلایل بسیاری که در جای خود باید بدان پرداخت، جایگاه ممتازی در ایران یافته است؛ به طوری که حتی شگفتی جهانیان را نیز برانگیخته است. این جایگاه و گستره حیرت‌انگیز، نویسندگان دینی را که دغدغه دین‌گستری دارند، ناگزیر از ورود به این عرصه می‌کند؛ زیرا هرگونه بی‌اعتنایی و بی‌مبالاتی در برابر جهان فراخ و جنجالی وبلاگ‌ها، میدان بزرگی را برای تاخت و تازهای عالمانه، از دست مبلغان می‌گیرد و آنان را به خلوت‌های تاریک و کم‌مخاطب و سرد، تبعید می‌کند.

#### □ پی‌نوشت‌ها:

۱. برای آشنایی با فعالیتی‌ها و سیاست‌های اینترنتی مراجع عظام و دیگر شخصیت‌های دینی به پایگاه‌های زیر مراجعه کنید:

(پایگاه اطلاع‌رسانی رسا) <http://www.rasanews.com>

(مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران) <http://www.crspa.ir>

۲. ر. ک: روزنامه شرق، ویژه‌نامه جمعه، ۸۳/۱۰/۲۵.

۳. ر. ک: سایت انگلیسی بی‌بی‌سی (BBC)، اول دسامبر ۲۰۰۴، تیترا همان.

۴. ر. ک: قاسمی، وحید، وبلاگستان، شهر شیشه‌ای، پیشگفتار، ص ۳.

۵. ر. ک: کتاب ماه (کلیات)، شماره ۷۹-۸۰ (ویژه وبلاگ‌نویسی)، رضا بهبهانی، «پدیده وبلاگ»،

ص ۱۲.

۶. تعبیر، از سهراب سهپری است.

۷. ر. ک: بابایی، رضا، منبرهای دیجیتال، ص ۸-۲۵.